

## دو رزم جامه نویافته : یادمانی از روزگار صفویان

محمدحسین سلیمانی<sup>۱</sup>

### ۱. مقدمه

ظهور سلسله صفویان در تاریخ کهنسال ایران، از چند نظر دارای اهمیت است که مهم‌ترین آنها وحدت ملی، رسمیت یافتن مذهب شیعه و ترقی هنر و صنایع است.<sup>۲</sup> همچنین این دوره از درخشان‌ترین ادوار ترقی و تکامل خطوط ثلث، نستعلیق و نسخ بوده است. عموم شاهان و شاهزادگان، حتی امرای صفوی (به ویژه شاه اسماعیل، شاه عباس کبیر و سه شاهزاده بهرام میرزا، سام میرزا و شاهزاده ابراهیم میرزا) علاقه‌مند به این هنر بوده و بعضی نیز این هنر را از استادان فن فرا گرفته و خطاطان و هنروران به دربار آنان، مقامی بلند و اعتباری ارجمند داشته‌اند. همین امر باعث ترویج انواع فنون و ظهور بسیاری از نواخ خط، به ویژه نستعلیق‌نویسان و ثلث‌نگاران بوده است. آن ایام به داشتن چنان استادانی، مفتخر گردیده است.<sup>۳</sup>

در پگاه برآمدن صفویان، «وقتی شاه اسماعیل هرات را گرفت، نقاشانی چون بهزاد به تبریز رفتند و در مغرب ایران به تأسیس مکتب نقاشی جدیدی اقدام کردند؛ به این ترتیب مکتب هرات از خراسان به تبریز انتقال یافت. به موازات نقاشی، صنعت خط و تذهیب که در مکتب تیموری تکمیل شد. در زمان صفویان ادامه یافت و برای تهیه قرآن‌های مجلل و فاخر، تبریز به عنوان پایتخت جدید، به صورت مرکزی با شهرت جهانی درآمد و معروف‌ترین استادان خط نسخ و ثلث و برجسته‌ترین نقاشان و تذهیب‌کاران را جهت تزئین

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی

۲. بیات، عزیزالله، شناسایی منابع و مأخذ تاریخ ایران، ج ۲، ص ۱۰۱.

۳. فضایی، حبیب‌الله، اطلس خط، ص ۳۴۶.

متون قرآنی گرد هم آورد»<sup>۱</sup>.

در این میان، پوشاک نیز مانند خوراک، وسیله نمایش تمول و تجمل و نیز وسیله نمایش تفنن طلبی خواص بوده است. در مصر باستان، هر چه بر ثروت خواص افزوده شد، جامه‌های آنان تعدد و تنوع بیشتری یافت. در عالم اسلام، پوشاک نشانه تمایزات طبقه‌ای محسوب می‌شده است. به شرحی که مورخان اسلامی - امثال مقریزی، ابن عبدربه و مسعودی - نوشته‌اند، خلفای عباسی و امیران و اطرافیان آنان، در خوش‌پوشی مبالغت می‌کرده‌اند، به طوری که در پیکرنگاری دودمان صفوی، بزرگان نه تنها به وسیله جامه‌های فاخر و زینت افزا از دیگران ممتازند، بلکه دارای قامت‌های رساتر نیز هستند.<sup>۲</sup> این پوشاک گاه کاربرد ویژه‌ای می‌یافت، همچون پیراهن‌های طلسمات که از جمله آثاری هستند که در حوزه باستان‌شناسی دین مورد توجه کارشناسان و محققان است قدیمی‌ترین نوع این پیراهن‌ها مربوط به دوره صفویه و به باور عامه، دارای کاربردهای مختلفی از جمله: حفاظت در برابر بیماری‌ها و بلایای طبیعی، کسب شأن و مقام اجتماعی، محافظت در صحنه رزم، قدرت گرفتن در مقابل دشمنان و آموزش در جهان آخرت بوده است.<sup>۳</sup>

## ۲. پیشینه استفاده از پارچه در ایران

استفاده و تولید پارچه، از قدیم‌ترین ایام در ایران رواج داشته است، به طوری که هیوین تسانگ، سیاح مشهور چینی، که در آغاز قرن هفتم میلادی اوضاع ممالک غرب آسیا را شرح داده است، محصولات صنعتی ایران را به طور خلاصه چنین بیان کرده: «صنعتگران این ملک پارچه‌های ابریشمی و پشمی و قالی و چیزهای دیگر می‌بافند». مسلماً صنعت پارچه‌بافی یکی از صنایع مهم ایران بوده است.<sup>۴</sup> زری‌بافی روی پارچه‌های طراز نیز از اختراعات ایرانیان است؛ یعنی استفاده الیاف زری به صورت پودر در نسوج پارچه است و دیگری گل‌اندازی و طرح‌اندازی توسط الیاف گلابتون و قلاب‌دوزی است که فقط شعارها و نشانه‌های مخصوص سلاطین، روی سطح پارچه دوخته می‌شده است. ارزنده‌ترین و نفیس‌ترین نوع پارچه‌بافی بر جای مانده از دوران ایلخانان با کتیبه‌ای به نام ابوسعید بهادر خان است. جنس این پارچه اطلس از ابریشم زربفت است و عبارت آن با خط ثلث به این مضمون: «السلطان الاعظم المعظم الدنيا و الدین ابو سعید بهادر خان خلدالله ملکه» است. این نمونه منحصر به فرد در موزه وین اتریش نگهداری می‌شود. پارچه‌های نفیس که در شادروان‌ها و سراپرده خیمه‌ها از آن تهی می‌شد، در کارگاه‌های دولتی به

۱. بیانی، مهدی، کتابشناسی کتاب‌های خطی، ص ۵.

۲. آریانپور، اح، جامعه‌شناسی هنر ص ۱۴۵، به نقل از محمد حسن زکی، تاریخ نفاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، ۱۳۲۸.

۳. کفیلی، حشمت، نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز آستان قدس رضوی، «مقاله پیراهن رزم گنجینه سلاح آستان قدس رضوی آیین‌های در برابر اعتقاد گذشتگان». تاریخ بازیابی: ۱۳۹۱/۰۱/۰۳  
<http://aqlibrary.org/index.php>

۴. کریستن سن، ارتور، ایران در عصر ساسانیان، نشر صدای معاصر، ص ۴۰۹.

دو رزم جامه نویافته: یادمانی از روزگار صفویان / محمدحسین سلیمانی

نام طرازخانه (بیت الطراز) بافته می‌شده و نظارت بر آن با مأموران عالی‌رتبه دولتی بوده است. معروف‌ترین این کارگاه‌ها قبل از حمله مغولان، «بیت الطراز» بخارا بود که فرش و شادروان‌های آن شهرت جهانی داشت.<sup>۱</sup>

پارچه‌های صفوی نیز از دیدگاه هنری در قالب طرح‌های پیکره‌ای و مخمل‌های ابریشمی و زردوزی شده با سنگ‌های قیمتی این عصر، به اوج کمال خود رسید. از این دوره جامه‌هایی از پارچه‌های منقوش باقی مانده است. از گزارش سیاحان بر می‌آید که شهرهای کاشان، یزد، اصفهان و تبریز از مراکز صنعت ابریشم بوده است.<sup>۲</sup>

### ۳. مشخصات و مختصات رزم جامه<sup>۳</sup>

۳-۱. رزم جامه شماره یک

جنس رزم جامه هنوز به رصد تحقیقات آزمایشگاهی نرسیده است، ولی به تقریب می‌توان گفت از آنجا که کارشناسان، رزم‌جامه موجود در موزه شیخ شهاب الدین سهروردی (اهر)، که شباهت قابل ملاحظه‌ای از حیث ساختار، درون مایه و کاربرد با این مورد (تصویر ۱ و ۲) دارد را ابریشم تشخیص داده‌اند، شاید بتوان احتمال داد که این نیز ابریشم باشد که پس از آهار و مهره، روی آن کتابت صورت گرفته است. رنگ مرکب به خوبی پس از گذشت سالیان، جلا و تازگی خود را حفظ نموده است.

۳-۲. نوع خطوط

از آنجا که در دو مورد، بعضی خطوط بسیار پیچیده و غبارنویسی‌ها نیز گاه لایقراً و ناخوانا بودند، حتی با عدسی ذره‌بین نیز پس از تمرکز و توجه مداوم و صرف وقت بسیار جمله‌ای خوانده، سرنخی به دست آمده و راهگشایی حاصل می‌شد؛ سپس در کشف‌الآیات، مفاتیح الجنان، زادالمعاد و دیگر کتب ادعیه، اذکار، ختوم و بهره‌گیری از متخصصین، جملات انکشاف می‌شد.

### ۳-۳. طول و عرض رزم جامه شماره یک

طول رویی رزم‌جامه از دوزنگاه آستین سمت چپ، ۶۵ سانتی‌متر و در قسمت پشت، ۶۶؛ در قسمت رویی وسط رزم جامه، ۶۱؛ و در قسمت پشتی با احتساب لایه برگردان شده انتها، ۶۴؛ و طول رویی از دوزنگاه آستین سمت راست، ۶۴؛ و در قسمت پشتی همین قسمت، ۶۵/۵؛ است. عرض آن از زیر دو آستین، ۴۹؛ و در انتها الیه که به پهنی می‌گراید، ۷۳؛ و اندازه آستین تا انتهای طرف دیگر، ۸۵؛ طول یقه از جلو ۳۱ و عرض آن از پشت ۱۹/۵ است.

۱. بیانی، سوسن، مجموعه مقالات اولین سیمینار تاریخی مغول ج ۱، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹، ص: ۱۵۷، ۱۵۲، ۱۵۱.

۲. جمعی از نویسندگان، پژوهشی از دانشگاه کمبریج: تاریخ ایران در دوره صفوی، ۱۳۸۷

۳. از آقای رامین سرداری (اهری) که تصاویر واصل رزم جامه را در اختیارم گذاشتند، سپاسگزارم.

### ۳-۴. کیفیت و محتوای نوشته‌ها

۳-۴-۱. دور یقه (بازی یقه)

دور یقه با رنگ سیلو و حاشیه داخل به رنگ سرنج، با خط ثلث جلی که با وجود گذشت زمان رنگ مرکب جلای خود را به خوبی حفظ نموده است و عبارت: «ناد علیاً مظهرالعجایب یا علی یا علی یا علی نصر من الله و فتح قریب» کتابت شده است.

۳-۴-۲. حاشیه آستین

حاشیه آستین سمت چپ با مرکب سرنج، به قلم ثلث، سوره یاسین آمده است. ادامه آن به چلیپا در دو طرف جدول وسط آستین، به قلم نسخ خفی بدون اعراب و اعجام در بیست سطر، در هر طرف، کتابت شده است.

۳-۴-۳.

سوره نصر داخل جدول به شکل یک سرمه‌دان، به قلم ثلث جلی، احتمالاً به رنگ زرد زرنیخ تحریر شده است. رزم جامه موجود در موزه اهر که شباهت ویژه‌ای با این مورد دارد (تصویر ۱ و ۲)، فاقد این نقش است.

۳-۴-۴.

در سمت راست به همان شیوه آستین سمت چپ به قلم ثلث و مرکب سرنج سوره فتح مکتوب شده که بقیه آن به نسخ تحریری خفی بدون اعراب در ۲۳ سطر؛ به صورت مورب در دو ستون به صورت معکوس با دقتی بالا و ظرافتی ستودنی نوشته شده است. همین طور در جدول وسط دو ستون که به صورت یک بعلاوه نمودار شده، سوره ناس به قلم ثلث جلی با مرکب سرنج نگاشته شده است. همین طور شامل چهار لوح که عبارتند از:

در قسمت فوقانی رزم جامه و در سمت چپ یقه لوحی با مضرب  $9 \times 7$  خانه که با ترکیبی از همان دو مرکب کلمات سوره توحید را پس از تکسیر از آغاز تا کلمه (لم) عمودی و از همین کلمه تا انتها به صورت افقی درج شده است.

در سمت راست و با همین تقارن و مضرب به تکسیر عمودی، سوره هود، آیه ۵۶: توکلت / علی الله / ربی / وربکم / مامن / دابه / الا، و در ادامه جمله به صورت افقی پس از کلمه (الا) بدین صورت تکسیر شده است: هو / آخذ / بناصیتها / ان / ربی / علی / صراط / مستقیم.

در پایین سمت چپ سوره حمد پس از تکسیر کلمات این سوره به همان شیوه‌ای که گذشت، لوحی با مضرب  $13 \times 13$  تشکیل یافته است.

در سمت راست با همان مضرب، لوح دیگری به تکسیر آیه ۱۱۰ سوره شریفه کهف، قل / انما / انا / بشر / مثلکم / یوحی / الی / الهمکم / اله / واحد / من کان ... به نگارش آمده در است.

همچنین بر کتیبه بزرگی، سوره توحید به ثلث در زمینه سبز سیلویی نگاشته شده است.

دیگر ستاره شش پر در جلو و انتهای یقه که داخل هر قسمت حمدله و صلاتیه غبار نویسی شده است. صلاتیه یکی از این قسمت‌ها چنین است: «...مصلی الله علی خاتم خلائق محمد صل و آله و آل الله

دو رزم جامه نویافته: یادمانی از روزگار صفویان / محمدحسین سلیمانی

الطیب الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین». قسمت های دیگر محوشدگی عبارات بیشتر است و تشخیص عبارات بسیار دشوارتر است. (تصویر ۵)

همچنین از زیر کتیبه ثلث سوره توحید، دعای جوشن کبیر آغاز شده و ادامه آن با قلم نسخ مشقی در حاشیه و پس از آن به صورت ترنج‌های متداخل با دو مرکب شنگرف و مشکی غبارنویسی شده است، و نیز ادامه آن در قسمت پشت پیراهن درج شده است.

در قسمت حاشیه پشتی کتیبه‌ای با قلم ثلث شش دانگ و مرکب مشکی کتابت شده و عبارت: «لصاحبه ... و السلامة و طو {ل} العمر و... و عزاً دائماً لا ذل فیها و اقبالاً الی یوم القیامه» درج شده است، و چون بعد از «لصاحبه» اسمی کتابت نشده، نمی‌توان به مالک اصلی و تاریخ حقیقی آن پی برد. (تصویر ۲)

تنها نمونه تاریخ‌دار و در دسترس از این البسه که دارای کتیبه‌ای به نام شاه عباس صفوی است، در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.

بنا بر تحقیقات انجام گرفته، فراوانی این نوع البسه بسیار اندک بوده و موارد در دسترس و شناخته شده این نوع پیراهن‌ها در موزه‌های ملی ایران، اهر، ملک تهران، تویقایی (ترکیه)، کلکسیون شخصی ناصر خلیلی<sup>۱</sup> و این دو نمونه نو یافته بوده، که از این میان، تنها نمونه توصیف شده، تقریباً همتای مورد موزه اهر (تصویر ۱ و ۲) است و مورد دوم احتمالاً تاکنون در جایی دیده نشده و منحصر به فرد است.

در سمت چپ و پشت آستین لوحی با مضرب ۱۲×۱۲ اسماء جلاله که در این قسمت تکرار و تأکید بر روی «یا الله» است:

«یا رحمن، یا الله، یا رحیم، یا الله، یا کریم، یا الله، یا قدیم، یا الله، عظیم، یا الله، یا حق یا الله یا کریم یا الله یا علیم یا الله» که احتمالاً فایده خاصی از این ترکیب مد نظر بوده است.

به همین نحو است لوح ۱۳×۱۳ آستین پشت سمت راست، با این تفاوت که به صورت یک در میان، تکرار و تأکید روی یا حفیظ است:

«یا جلیل یا حفیظ یا جمیل یا حفیظ یا وکیل یا حفیظ یا قدیم یا حفیظ یا مقبل یا حفیظ یا وکیل یا دلیل یا منیل یا کفیل یا محیل یا مکرم یا حفیظ»

در حاشیه پایین و انتهایی، گل و بوته‌اندازی شده که باز هم میان رزم جامه‌های موجود، تنها به موزه اهر شباهت دارد.

### رزم جامه دوم (تصویر ۳ و ۴)

رزم جامه دوم از حیث ساختار و تا حدی محتوای نوشتارها با اولی فرق اساسی دارد. تنوع رنگ کمتری داشته و صرف نظر از نقوش هندسی، جدول‌ها به رنگ سبز سیلویی کشیده شده و برای کتابت از مرکب مشکی استفاده شده است. از نظر فراوانی، همتای آن در جایی دیده نشده و منحصر به فرد است. جنس

۱. کفیلی، حشمت، همان.

پارچه نیز مانند رزم جامه شماره یک به محک آزمایش نرسیده است، اما شاید بتوان به تقریب و احتمال گفت جنس آن از کرباس ریزبفت و به رنگ نخودی است و همین‌طور از آثار تعریق بدن و پوسیدگی پارچه در حاشیه پشت یقه و زیر بغل، می‌توان گفت مورد استفاده واقع شده است. کتابت در انواعی از نقوش هندسی همچون مربع، لوزی، مستطیل، نیم دایره، مثلث‌های متوازن و متقارن صورت گرفته است. استفاده از خطوط ثلث و اجازه شاخص تر است.

در مورد کاربرد و کارکرد آن نمی‌توان به قطع و یقین و با استناد به منابع معتبر به نتیجه‌ای رسید، ولی با توجه به اینکه در نیم دایره پشت یقه که عبارت: «...لصاحب هذا الجوشن بقدرتک ...» درج شده و با توجه به کلمه «جوشن» می‌توان به کاربرد رزمی و نظامی آن تأکید بیشتری کرد و چون کلمه «لصاحب» به صورت مبهم و کلی آمده، نمی‌توان به سفارش‌دهنده اصلی و یا مالک آن پی برد. قطع نظر از محتوای دیگر نوشته‌های مکتوب، می‌توان احتمالاً به این نتیجه رسید که کاربردهای جانبی دیگری، علاوه بر حفاظت در مقابل خطرات میدان‌های رزم، می‌داشته است. شاید بتوان در این فرضیه به موارد: استتار، باطل‌السحر، دفع شیاطین و موجودات غیر ارگانیک، گشایش، رفع غم و فتنه، دفع قضا و... توجه نشان داد.

### ویژگی‌ها و مختصات

تنوع آیات قرآنی و احادیث، احراز، ادعیه، اذکار و ختوم مذهب شیعه اثنی‌عشری چشمگیرتر است که شرح قسمتی از آن بدین شرح است:

ادعیه: دعای کمیل، دعای مجیر، دعای جوشن کبیر، دعای جوشن صغیر، دعای صباح و همین‌طور ادعیه کمتر شناخته شده و ترکیبی از ادعیه‌ها و آیات و روایات، اسامی امامان شیعه و...

سوره‌ها: آیت الکرسی، قدر، شمس، اعلی، فتح، نصر، ناس، توحید، فلق، یاسین، حمد، صافات، توحید و... همین‌طور آیات آغازین سوره بقره آیه «و ان یکاد» و آیاتی از سوره‌های آل عمران، احزاب، محمد، حج و... در قسمت مرکز قسمت پشت و زیر یقه حدیث: «لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار...» درج شده است. (تصویر ۶)

اندازه آستین به آستین ۹۷،۵ سانتی‌متر، اندازه حاشیه پایین لباس ۷۳ سانتی‌متر، طول لباس از بالا تا پایین ۶۷ سانتی‌متر و دور یقه ۴۵ سانتی‌متر است..

### شیوه تهیه

در قدیم پارچه‌هایی که کتابت روی آن صورت می‌گرفت، همچون کاغذ برای رفع خلل و فرج و صافی و روانی روند کتابت و اینکه قط قلم روی کاغذ یا پارچه قلم‌خوری بهتری داشته و بتواند مرکب بیشتری را دفعتاً بر سطح انتقال داده تا بتواند در ترسیم کشیده‌ها از نهایت ضعف به نهایت قوت و بالعکس را آسان‌تر کند. همین‌طور برای استحکام و مانایی آن در طول زمان، آن ماده‌هایی همچون مایع تخم گل ختمی، نشاسته گندم و... می‌زدند بسته به نوع کاربرد و جنس مورد استفاده، آهار گرم یا سرد می‌دادند. به همین

دو رزم جامه نویافته: یادمانی از روزگار صفویان / محمدحسین سلیمانی

جهت عمل آهار دادن و مهره کشیدن، از قرن هشتم هجری روی کاغذها مرسوم شد تا علاوه بر استحکام بخشیدن به بافت کاغذ، آن را درخشان و صاف کند. با این کار حتی کاغذهای کاهی و بسیار نامرغوب به کاغذهایی صاف، صیقلی و محکم تبدیل می‌شده‌اند.<sup>۱</sup>

در کتابت و تصویرگری روی پارچه نیز همین روند طی می‌شده؛ با این تفاوت که پارچه پس از طراحی و برش آهار زنی و سپس مهره‌کوبی می‌شد و پس از آن جدول‌ها یا انواعی از نقوش (هندسی، جانوری، گیاهی) کشیده می‌شد و در انتها با رعایت آداب کتابت، این روند آغاز می‌شد.



۱. عظیمی، حبیب‌الله، «کاغذ در نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی نسخ خطی»، کتاب ماه، دوره جدید سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، پیاپی ۴۲.

دو رزم جامه نویافته: یادمانی از روزگار صفویان / محمدحسین سلیمانی



پیام بهارستان / ۲۵، س، ش ۱۷ / پاییز ۱۳۹۱



دو رزم جامه نویافته: یادمانی از روزگار صفویان / محمدحسین سلیمانی



پیام بهارستان / د ۲، سه، ش ۱۷ / پاییز ۱۳۹۱